Journal of Studies in Applied Language (JSAL),
Vol. 8, No. 1, Winter 2025, pp. 79–118. ISSN: 2980-9304
© Bonyan Pouya Pajooh Andisheh Institute (BPPAI), 2025. This is an Open Access article, distributed under the terms of the Creative Commons Attribution licence (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits unrestricted re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the originalwork is properly cited.

Explication of the Structure of Simple Persian Verbs and Their Governing Principles, With an Emphasis on Root Types and Morpheme Formation; A Linguistic Perspective [In Persian]

Zahra Khosravi Dastgerdi [*1], **Ali Naseri Karimvand** [2]

1 Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran
2 MA, General Linguistics, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

***Corresponding author:** khosravi.ph@gmail.com

Received: 11 Nov, 2024 *Revised: 17 Jan, 2025* *Accepted: 02 March, 2024*

ABSTRACT

The verb represents the most fundamental element across all global languages (a universal linguistic feature). Verbs occupy a central role within the framework of grammatical concordance (agreement between verb and subject). Language, as a dynamic social construct, generates an unlimited array of sentences for communication using a finite set of phonemes, linguistic symbols, and syntactic rules. While maintaining its communicative efficacy, language reshapes linguistic constructs in alignment with the principle of least effort, modifying the phonological-syllabic composition of words (alterations in vowel quality and duration, consonant harmony or disharmony, and the implementation of comprehensive phonological processes) to enhance articulatory ease. Such transformations occasionally introduce ambiguities in the precise identification of linguistic construct components (here, verbs). Nevertheless, it is unreasonable to resolve this superficial issue by positing numerous past-tense morphemes (ranging from 8 to 10). The researchers maintain that only a single past-tense morpheme (t/d) exists, which undergoes modifications due to its sequential interaction with adjacent phonemes. This analysis investigates these alterations and their scientific underpinnings. This study aims to ascertain the past-tense morpheme in ostensibly simple Persian verbs, elucidate the emergence of multiple past-tense morphemes, and clarify the varieties of roots in simple verbs. Essentially, this research responds to the following inquiries: What constitutes the past-tense morpheme in Persian? Why is the notion of multiple past-tense morphemes scientifically untenable? Can phonological processes explain the variations in past-tense roots and stems, thereby negating the need to propose diverse past-tense morphemes? How are Persian past-tense morphemes—such as {ت

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

(kusht), د (gostard), آد (istād), ید (kharid),یست, ِست (negarest, negārist),ُفت (paziroft), …}—interpreted and analyzed? What is the composition of so-called derived verbs? Are the past and present stems of a verb derived from a unified root? The findings, derived through a descriptive-analytical approach utilizing documentary evidence and a morphological perspective, delineate the stages of verb formation and underscore the efficacy of specific phonotactic constraints within the verb system. Significantly, the notion of multiple past-tense morphemes lacks linguistic legitimacy when evaluated against principles such as least effort, phoneme co-occurrence restrictions, and phonological processes. The past-tense morpheme is exclusively /t/, a vestige of the Old Persian participial suffix -ta. In modern Persian, verbs categorized as transformational are seldom employed, as native speakers predominantly favor and have embraced the construction of compound verbs derived from the same root.

Keywords: Verb Analysis, Underlying Structure of Modern Persian Verbs, Morphemes for Stem Formation, Singular Past-Tense Morpheme.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

مجله زبان‌کاوی کاربردی (JSAL)
ISSN: 2980-9304
دوره هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۱۹)، زمستان ۱۴۰۳، صص ۹۹-۱۱۸

تبیین ساخت افعال سادۀ زبان فارسی و قواعد حاکم بر آن‌ها با تمرکز بر انواع ریشه و ماده‌ساز (با رویکرد زبانشناسی)

زهرا خسروی دستگردی [۱*]، علی ناصری کریموند [۲]

۱. استادیار گروه زبان وادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
۲. کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
***نویسنده مسئول مقاله** Email: khosravi.ph@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۱ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۲۸ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۲

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

چکیده

مهمترین بخشِ تمام زبان‌های جهان، فعل است (جهانی‌های زبان). فعل در دستگاه تطابق دستوری (تطابقِ فعل و نهاد...) جایگاهی ویژه دارد. زبان موجود زندۀ اجتماعی است که با تعدادی محدود آواها و نشانه‌های زبانی و قواعددستوری، تعدادی نامحدود جمله، برای انتقال اطلاعات می‌سازد؛ زبان با حفظ کارکردِ ارتباطی خود، با تأثیر بر ساختمان آوایی-هجاییِ واژه (تغییردر کیفیت - کمیت واکه‌ها، همگونی_ناهمگونیِ همخوان‌ها و إعمال کلیۀ فرایندهای آوایی) سازه‌های زبانی را مطابقِ اصل کم‌کوشی زبان، برای تسهیل تلفظ دگرگون‌می‌کند؛ این دگرگونی‌ها گاه ابهاماتی در شناخت درستِ اجزای سازۀ زبانی (اینجا فعل) ایجادمی‌کند،اما منطقی نیست که با معرفی انواع تکواژ ماضی‌ساز(۸-۱۰عدد) در پی رفع مشکل ظاهری باشیم؛ نگارندگان معتقدند تنهایک تکواژ ماضی‌ساز(t/d) داریم که در اثر توالی همنشینی با دیگر واجها تغییراتی یافته‌است. این گفتار ضمن بررسی تغییرات به علت علمی آنها می‌پردازد. هدف این پژوهش تعیینِ تکواژ ماضی‌ساز در افعالِ بظاهر سادۀ زبان فارسی و علت خلق تکواژهای ماضی‌سازِ متعدد و انواع ریشۀ افعال ساده است؛ به نوعی این گفتار، پاسخگوی پرسش‌های زیر است: تکواژ ماضی‌ساز فارسی کدام است؟ چرا تعدّد تکواژهای ماضی‌ساز توجیه علمی ندارد؟ آیا با فرایندهای آوایی می‌توان تغییرات ریشه و ماده‌های ماضی را تبیین کرد؛ چنانکه نیاز به معرفی تکواژهای ماضی‌ساز گوناگون نباشد؟ تکواژهای ماضی‌سازِ زبان فارسی{ت(کُشت)، د (گسترد)، آد (ایستاد)، ید(خرید)، ست، یست (نگرست، نگریست)، فت(پذیرفت)...} چگونه تبیین وتحلیل‌می‌شوند؟ ساخت افعالِ موسوم به جعلی چیست؟آیا ستاک ماضی و مضارع یک فعل، مأخوذ از ریشه‌ای واحد است؟ نتایج تحقیق که به شیوۀ توصیفی-تحلیلی و مطابقِ روش اسنادی و رویکرد به علم صرف است، نشانگر مراحلِ شکل‌گیری ساختواژۀ فعل است و اینکه قواعد واج‌آراییِ ویژۀ دستگاه فعل، در اینجا بسیار کارا بوده‌است از آن جمله می توان اشاره کرد: تعدد تکواژ ماضی‌ساز از نظر مبانی زبانشناسی(اصل کم‌کوشی،ضوابط و محدودیت‌های همنشینی واج‌ها، فرآیندهای آوایی...) وجاهت علمی ندارد. تکواژ ماضی‌ساز،صرفاً t

بازمانده ازta- صفت مفعولی باستان است. در فارسی امروز، افعال موسوم به تبدیلی کاربرد چندانی ندارد؛ زیرا گویشوران ساخت افعال مرکب از همان پایه را بیشتر پسندیده و پذیرفته‌اند.

واژگان کلیدی: توصیف فعل، ژرف‌ساخت افعالِ فارسی‌نو، تکواژ ماده‌ساز، تکواژ انحصاری ماضی‌ساز

۱ مقدمه

یکی از جهانی‌های زبان، وجود فعل در تمام زبان‌ها است.مهمترین سازه در همهٔ زبان‌های جهان، فعل است، که در دستگاه تطابق دستوری(تطابقِ فعل و نهاد...) جایگاهی ویژه دارد. زبان موجود زندهٔ اجتماعی است، مجموعه‌ای از نظام نشانه‌ای بسته که با قواعدی محدود سازندهٔ جملات نامحدود برای ایجاد ارتباط و انتقال اطلاعات است و به صورت سیستمی عمل می‌کند. واحدهای زبان به‌دلیل ارزش‌های متفاوت از هم متمایزند و براساس چگونگی استقرار روی محور همنشینی و جانشینی بررسی می‌شوند. زبان با تأثیر بر ساختمان آوایی-هجاییِ واژه (دگرگونی کیفیت -کمیت واکه‌ها، همگونی_ناهمگونیِ همخوان‌ها و إعمال کلیهٔ فرایندهای آوایی) سازه‌های زبانی را مطابقِ اصل کم-کوشی زبان، برای تسهیل تلفظ دگرگون‌می‌کند(تأثیر توالی سازه زبانی روی محور همنشینی)؛ این دگرگونی‌ها ممکن است ابهاماتی در شناخت درستِ اجزای سازهٔ زبانی(اینجا فعل)ایجاد کند،اما تحلیل این دگرگونی با عَلَم کردن انواع تکواژ ماضی‌ساز(۸-۱۰عدد) درست نیست. نگارندگان بر این باورند که تنها یک تکواژ ماضی‌ساز(t/d) وجود دارد، که در اثر توالی همنشینی با دیگر واجها متحول می‌شود. هدف اصلی این گفتار بررسی این تغییرات با استدلال‌های علمی و زبانشناسانه است و ضمن آن به تعیینِ تکواژ ماضی‌ساز در افعالِ به‌ظاهر سادهٔ زبان فارسی و علت خلق تکواژهای ماضی‌ساز متعدد و انواع ریشهٔ افعال ساده خواهیم پرداخت؛ این گفتار،پاسخگوی پرسش‌هایی درمورد"تکواژ ماضی‌ساز فارسی،عدم وجاهت علمیِ تعدّد تکواژهای ماضی ساز، عدم یا وجود فعل تبدیلی(جعلی)، مآخوذ از یک ریشه بودن یا نبودنِ مادهٔ ماضی ومضارع" است. در ادامه ضمن اشاره به انواع ریشه به شرح چگونگی تغییرات ساختواژهٔ فعل، بوسیلهٔ اعمال فرایندهای آوایی پرداخته و در این مسیر بدون عَلَم‌کردنِ تکواژهای ماضی‌ساز گوناگون تنها باt/d ساخت فعل ماضی را توصیف و تحلیل کرده‌است. نتایج تحقیق که به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی و بر پایهٔ روش اسنادی و رویکرد به علم صرف است، نشانگر چگونگی ساخت فعل است و اینکه عملکردِ قواعد واج‌آراییِ ویژهٔ دستگاه فعل، بسیار چشمگیر و کارا بوده‌است.

دستورنویسان زبان فارسی،تکواژهای زیادی به عنوان تکواژ ماضی‌ساز معرفی کرده‌اند از جمله: {ت(کُشت)، د(گسترد)، آد(ایستاد)، ست، یست(نگرست، نگریست)، فت(پذیرفت)، ید(خرید، موسوم به جعلی)،.. }؛ بیانات ایشان تنها با استناد به چند نمونه برای هر دسته از این افعال است بدون اینکه تبیین یا تحلیل زبانشناسانه‌ای ارائه شده‌باشد؛ درواقع اظهارات پیشینیان، نوعی گزارشِ مشاهدات است.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

این مقاله برای تک‌تک موارد مذکور، ضمن ارائهٔ تحلیل‌های زبانشناسانه(چگونگی اعمال فرآیندهای آوایی)، اثبات می‌کند تکواژ ماضی‌سازِ فارسی تنهاt/d است و دیگر تکواژهای پیشنهادی، حاصل مداخلهٔ فرآیندهای آوایی(ابدال، درج، حذف، انواع همگونی وناهمگونی، قرابت واجگاهی و...)هستند و وجاهت علمی ندارند.

۱-۱ روش تحقیق

نخست به گردآوری افعالِ(حدود ۳۷۸) ظاهراً سادهٔ (برخی مانند افتادن، پذیرفتن، فرمودن و... بازماندهٔ افعال پیشوندیِ کهن هستند) مندرج در لغت‌نامه پرداخته، افعال موسوم به جعلی(۱۲۵فعل حدود ۱/۳افعال ساده) و ریشه و تکواژ ماضی‌سازِ افعال ساده را هدف قرارداده، به بررسی ساختواژی آنها از جنبه‌های گوناگون(هجایی، آوایی، همنشینی و خوشه‌سازی...)پرداختیم. از آنجایی‌که سازه‌های زبانی(افعال) برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی(اصل کم‌کوشی واقتصاد زبانی)و تسهیل تلفظ در مسیرتطبیق ساختمان آوایی خود با واج‌های مجاور فعالند، دگرگونی‌های آواییِ صورت‌گرفته در افعال که تاکنون کمتر به تبیین زبانشناسانهٔ آنها پرداخته‌اند، بررسی شد(در برخی موارد ضرورتاً به مطالعهٔ تاریخی یا درزمانی متوسل شده‌ایم).نگارندگان بر آن بوده‌اند، ضمن توصیف به تحلیل این دگرگونی-ها(به یاری انواع فرایندهای آوایی و محدودیت -ممنوعیت‌های خوشه‌ای)پرداخته، درجهت کلی-گویی، ارائهٔ تعمیم و تبیین شکل‌گیریِ علمیِ افعال ساده، برای رفع برخی ابهامات، در چهارچوب قواعد آواییِ زبان فارسی، نظریهٔ نو و قابل نقد پیشنهاد کنند. در این پژوهش تمرکز برتکواژ ماضی‌ساز و قواعد آواییِ حاکم بر هجاهای زبان فارسی و تأکید بر جنبه‌های موسیقایی ساختمان آوایی-هجاییِ افعال بوده‌است.

۱-۲ پیشینهٔ پژوهش

آنچه از پژوهش‌های مربوط به ساختواژهٔ فعل برمی‌آید این است که این پژوهش‌ها در مورد ریشهٔ فعل(زیربنای ساخت فعل) اظهار نظری نداشته، در مورد افعال موسوم به جعلی و تکواژ ماضی‌ساز هم به نوعی توصیف و گزارشِ بدون شرح علمی(ساخت آوایی-هجایی، ممنوعیت-محدویت خوشه-ای...) پرداخته‌اند و ظاهراً ابتکار و تبیین نگارندگان در زمینهٔ ساخت فعل مسبوق به سابقه نیست.

برخی دستورنویسان، فعل را مآخوذ از مصدر دانسته‌اند۱.(انوری و احمدی۱۳۷۶: ۲۸؛ ماهوتیان۱۳۹۳: ۲۱۹؛ باطنی،۱۳۹۲: ۱۱۸)، معتقدند: با حذف تکواژ مصدرسازan به بن ماضی می-رسیم و با افزایش شناسه‌ها به آن،فعل شکل می‌گیرد(=افعال باقاعده). اگر با حدف تکواژمصدرساز و ماضی‌ساز، مادهٔ مضارع نباشد، فعل بی‌قاعده یا سماعی است)۲. برخی(فرشیدورد،۱۳۸۸؛پنج استاد،۱۳۸۹؛مشکوه‌الدینی،۱۳۹۱؛خیامپور،۱۳۹۲؛ وحیدیان،۱۳۹۲)ریشه فعل و مادهٔ(=بُن) مضارع را یکی دانسته، ساخت مصدر را از مادهٔ ماضی و ساخت مادهٔ ماضی را از بن مضارع می‌دانند؛ایشان ساخت ماده ماضی از مضارع در افعال بی‌قاعده(= سماعی)را حاصل تحولات تاریخی دانسته-

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

اند.ضرورت توجه به پیشینهٔ تقسیم‌بندیِ دیگری در مورد ساخت فعل(فعل ماضی و تکواژ ماضی‌ساز) وجود دارد، که موضوع این مقاله خواهدبود.

ناتل خانلری از اولین کسانی است که به ساخت افعال فارسی توجه کرده، ضمن توصیف و تحلیل آنها، افعال را دسته بندی کرده: افعال ساده، افعال مهجور یا مشکوک(۱۳۶۵،ج۲، ۴۰۰). محسن ابوالقاسمی در "ماده‌های فعل‌های فارسی دری"، اشتقاق مادهای ماضی و مضارعِ فهرستی از افعال سادهٔ فارسی را از ایرانی باستان تا فارسی‌میانه و دری نموده است(۱۳۷۴). حق شناس در مقالهٔ "اشتقاق و تصریف آن در فارسی"، توصیف فعل را با توجه به دلایلِ الگوهای ساختاری دشوار دانسته، اما نهایتاً با توصیف پایگانی فعل را لایه به‌لایه از اشتقاق تا تصریف بررسی می‌کند(۱۳۷۵). در"دستورزبان فارسی" تکواژهایt ، d، id ،ād را ماضی‌ساز دانسته‌شده‌اند(علی‌اشرف صادقی، ۱۳۸۵).منشی‌زاده در مقالهٔ "تکواژ ماضی‌ساز و گونه‌های آن"، تنها t را تکواژ ماضی‌ساز دانسته، صورت‌های دیگر یعنی d، id، ād، št، st، xt را تکواژگونهt دانسته، معتقد است اینها در دوره‌ای از زبان فارسی، از راه قیاس با بن‌های ماضیِ موجود، پدید آمده‌اند؛ وی آن‌ها را جعلی می‌داند (۱۳۷۷: ۱۱).وحیدیان ۵تکواژ t، d، id ،ād ، st، ذکرمی‌کند(۱۳۸۰: ۳۷).فرشیدورد در کنار tگونه‌های (d، id ،ād،est،st،ist،oft،et،ešt)را می‌آورد(۱۳۸۸: ۴۱۲).کرمپور وهمکاران در مقالهٔ "تجزیه و تحلیل واج‌شناختیِ افعال بی‌قاعدهٔ فارسیِ معاصر با رویکرد بهینگی"، ارتباط ماده ماضی ومضارع را با محدودیت‌های واج آراییِ حاکم بر بن ماضیِ افعال بی‌قاعده، ترجیح داده، افعال ساده فارسی(۳۷۶ فعل)را با توجه به برخی فرهنگ‌ها دو بخش نموده‌اند: جعلی(۱۲۵فعل)و غیرجعلی(۱۳۹۰: ۶). در"ساختمان دستوری زبان فارسی" ۴ تکواژ ماضی‌ساز (t، d، id ،ād)ذکر می‌گردد(باطنی،۱۳۹۲: ۱۱۸).باقری در"اختلافات واجی ماده‌های ماضی و مضارع در زبان فارسی" تکواژ ماضی‌ساز را (t، d، it/id) می‌داند(۱۳۸۵)... .

۲ بحث و بررسی

چون در بررسی ساخت فعل و ریشهٔ آن، چگونگی ساخت هجاها و تکواژها ضرورت دارد، باید وضعیت قلهٔ هجا(کوتاه یا بلندی واکه)که در شکل‌گیری خوشه‌های بعدش مؤثر است،لحاظ گردد؛ بنابراین ابتدا اجمالاً ساختمان هجاهای فارسی و خوشهٔ همخوانی آنها، بررسی می‌گردد.

با توجه به فرمول کلی هجاهای فارسی $c\tilde{V}(c)(c)$ هجاهای این زبان چند دسته‌اند:

الف- هجاهای زبان فارسی از نظر امتداد و کشیدگی ۳ گروهند:

۱. کوتاه cv ۲. بلند(دوساخت: $c\grave{V}$ و cvc) ۳. کشیده(سه ساخت: $c\tilde{V}c$ و cvcc و$c\tilde{V}cc$).

ب- هجاهای زبان فارسی از نظر وجود همخوان بعد قلهٔ هجا، ۲گروهند:

۱. هجای باز(= مختوم به واکه مانند: با، سو)؛ ۲. هجاهای بسته(=مختوم به همخوان مانند: mīŠ، man، وkard، kārd).

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

ج- هجاهای زبان فارسی از نظر وزن، ۳ گروهند:

۱. هجای سبک (مختوم به واکهٔ کوتاه)۲. هجای سنگین(الف. مختوم به واکهٔ بلند mā ب. مختوم به واکهٔ کوتاه ویک همخوان) ۳. هجای فوق‌سنگین(الف. مختوم به واکهٔ بلندویک همخوانmār ب. مختوم به واکهٔ بلند دوهمخوان kāšt ج. مختوم به واکهٔ کوتاه ودوهمخوانsard).

خوشه‌های همخوانی و محدودیت و ممنوعیت‌های تشکیلِ آنها

در هجاهای سنگین و فوق‌سنگین،محدودیت یا ممنوعیت‌های خوشه‌ای زیاد اعمال می‌شود. ساختواژهٔ فعل هم از این قاعده مستثنی نیست و اگر در آن هجای سنگین و فوق سنگین باشد، با محدویت یا ممنوعیت‌هایی مواجه می‌شود.

الف- "محدودیت خوشه‌ای"در افعال مانند: عدم تشکیل خوشه بعد مصوت بلند،مگر در واژگان ساخته‌شدهٔ پیشین.(= ممنوعیت برای واژگانی که در آینده ساخته می‌شود).

ب- "ممنوعیت خوشه‌ای": ۱.عدم تشکیلِ خوشه‌های همخوانی که عضو اولشان بستواج باشد"آمدن"($\sqrt{\bar{a}\text{-gma-t}}$ که باحذف g ، āmad) می‌شود) یا عضو اولشان نیم‌واکه باشد؛ ۲. "ساییدن" $\sqrt{s\bar{a}y}$ -t ← sāy-i-d به دلیل ممنوعیت تشکیلِ خوشهٔ آغازی‌با نیم‌واکه yt ، میانجیi قبل از تکواژ ماضی‌سازt آمده‌است(ر.ک:تبیین افعالِ موسوم به جعلی).

ساخت افعال با روساخت ساده(پذیرفتن، افتادن... که حاصل ترکیب پیشوند و ریشهٔ فعل... هستند)

افعالی مانند پذیرفتن، افتادن، فرستادن...که در مطالعهٔ درزمانی، ساده تلقی شده‌اند، در مطالعهٔ تاریخی پیشوندی هستند و عدم توجه به همین نکته موجب معرفی تکواژهای ماضی‌ساز متعدد شده‌است که در جای خود مفصلاً بحث می‌شود .

فرمول ساخت افعال ساده: شناسه+تکواژ ماده‌ساز+ $\sqrt{\text{ریشه}}$ +پیشوند[در زیرساخت]

افعال ازنظر ماده‌ساز، ۳بخشند:

الف- افعالی که مادهٔ ماضی و مضارع آنها از یک ریشه نیست. آمدن، دیدن ,

ماضی: $\sqrt{\frac{gam}{gma}}$ āmat > فارسی باستان: ā-gma-ta ؛ (*Horn ,GNE,* 48)

مضارع: $\sqrt{ay/i}$"رفتن" āy > فارسی باستان: ā-i -a > āya (*Horn ,GNE,* 60)

ماضی: $\sqrt{d\bar{\imath}}$ "نگریستن" dī-ta→did ؛ مضارع: $\sqrt{vain/v\bar{e}n}$ دیدن. (Hom

$v\bar{e}n \rightarrow bin_\emptyset_am$ *GNE,151*)

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

ب- افعالی که مادهٔ ماضی و مضارع آنها از یک ریشه، بدون دخالت فرآیندهای آوایی(در ماده-سازی) ساخته شده‌است؛ مانند: بافتن $\sqrt{vaf}$، شکافتن $\sqrt{skaf}$ (Hom *GNE,787,163*.)، شکفتن، کشتن$\sqrt{kaoš/kš̌}$،(Bartholomae,AiW, 432).

ج- افعالی که مادهٔ ماضی و مضارع آنها از یک ریشه، بادخالت فرآیندهای آوایی، ساخته‌شده-،تغییرظاهری نشان می‌دهد؛ مانند: بستن: مادهٔ ماضی $\sqrt{bad}$ -t⟶bast؛ مضارع: am-band(فرآیند قلب) $\sqrt{bad}$-n ⟶

انواع ریشهٔ در ساخت فعل

ریشهٔ فعل انواع گوناگون دارد: لازم، متعدی، خنثی

الف- لازم: ۱. لازم ذاتی(متعدی نشدنی) آمدن ۲. لازمِ متعدی شدنی: پریدن⟵ پراندن

ب- متعدی: ۱. متعدی ذاتی(لازم نشدنی) شنیدن، ۲. متعدی سببی مانند: شنودن⟵ شنواندن، شنوانیدن

ج- خنثی: ریشه‌های خنثی با مقایسه نسبت به لزوم و تعدی،"خنثی" نامیده شده‌اند؛یعنی نه لازمند و نه متعدی اما امکان لازم، متعدی یا سببی شدن در آنها هست. البته در مورد سببی، مفعول باید ذاتاً استعدادِ وادار، تحریک، تطمیع و تشویق شدن را داشته‌باشد؛ مثلا مفعول سنگ را نمی‌توان برای انجام کاری اجبار یا تشویق‌کرد.

انواع ریشه‌های خنثی: ۱. نام‌آوا (غرّیدن، غُرنبیدن) ($\sqrt{\frac{gar}{gṛ}/yurr}$)؛ ۲. اسم (جنگیدن،ماندن$\sqrt{māh}$)؛۳. صفت(چربیدن). *در ریشه خنثی، یکی از تکواژهای(nغرنبیدن،ماندن ($\sqrt{māh}$،+n)؛ Øشریدن)را به ریشه می‌افزایند، تا به ریشهٔ فعلی(دریافت تکواژ ماضی یا مضارع-ساز)بدل‌گردد.

ریشه، زیربنای ساخت واژه(در اینجا فعل)است و در تمام ساخت‌های یک واژه-کامل($\sqrt{dān}$⟵ دانا، داننده، دانش) یا ناقص("رفتن"tماضی‌ساز+$\bar{a}n$+ $\sqrt{r\bar{a}v}$⟵rānd؛ با حذفva درگفتار میرم، میریم)- حضور دارد.

ماضی: neŠastan/neŠastam = شناسه/نشانهٔمصدری+t + $\sqrt{had}$+ni؛ ۱. h(میان‌واکه-ای)⟵ Š ۲. ممنوعیت خوشهٔ ~~dt~~ (دو همواجگاه)؛ dt⟵st.

مضارع: beneŠinam…mineŠinand =شناسه +in(مضارع‌ساز)+ $\sqrt{š}$ +mi /be+ni(التزامی ساز)؛ ۱. h ⟵ Š

برای ساخت فعل باید به ریشه، تکواژ ماده‌ساز(ماضی یا مضارع) افزود، تا آمادهٔ صرف و پذیرش شناسه‌ها گردد.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

ساخت هجایی ریشه‌های فارسی(هجاهای واکهٔ بلنددار)، محدودیت و ممنوعیت‌هایی برای شکل‌گیریِ خوشهٔ بعد خود دارند که گویشوران ناخودآگاه برای تسهیل تلفظ به روش‌های گوناگون برای رفع محدودیت اقدام می‌کنند؛ مانند: ممنوعیت خوشه بعد واکه‌های بلند یا ممنوعیت ساخت سازه-هایی باساختcvccc (raqs- ī -d، jang-i--d)که بوسیلهٔ فرآیندهای آوایی مانند همگونی، قلب، درج(افزایش واکهٔ میانجیī در افعال جعلیd-ī- šām -ā، ممنوعیتm t بعد واکهٔ بلند، با درج واکه میانجیī حل می‌شود)، حذف، تقویت و تضعیف...رفع می‌گردد.

تکواژهای ماده‌ساز(مادهٔ مضارع‌ساز و ماضی‌ساز)

تکواژ مادهٔ مضارع‌ساز

الف. n: bandam =شناسه+ (مضارع‌ساز)n +$\sqrt{bad}$ "بستن". ۱. قلب(ممنوعیت خوشه با انسدادیdn←nd)

هورن $\sqrt{ba(n)d}$ "بستن"(Horn *GNE* 219, ld. *NPSSpr*. 138). مضارع: نشتن از$\sqrt{had}$... beneŠinam =شناسه +in(مضارع‌ساز)+ $\sqrt{\check{s}}$ +mi /be+ni(التزامی ساز)؛ ۱. h ← š ۲.حذفd از خوشهٔ dn آغازی با انسدادی ۳. a←e←ī همگونیِ پیشرو واکه‌ای و اشباع.

ب. تکواژ صفرØ (مادهٔ مضارع همان ریشه است): نمونه: سوختن و ساختن $\sqrt{s\bar{o}\check{c}}$،$\sqrt{s\bar{a}\check{c}}$ (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۱۷۷۴/ ۳۱۴۳ و ۲۸۸۵/۱۶۳۶)؛ تاختن:tāzam = شناسه+Ø (تکواژ مضارع‌ساز) +$\sqrt{t\bar{a}\check{c}}$ *č (میان‌واکه‌ای یا بعدِ واکه)←z (Bartholomae, *AIW,624f. 865*)

تکواژ مادهٔ ماضی‌ساز (تکواژهای اعلامی گذشتگان)

الف- t

عنصر ماضی‌ساز صرفاً t/d بازماندهta- دوران باستان است که از ریشهٔ لازم صفت فاعلیِ گذشته و از ریشهٔ متعدی صفت مفعولیِ گذشته ساخته‌می‌شده‌است، اما چون دستورنویسان معاصر، انواعی(حدود۹تکواژ) برای تکواژ ماضی‌ساز ذکرکرده‌اند(عدم وجاهت علمی)، نگارندگان ضمن ذکر اظهارات ایشان(پیشینهٔ پژوهش)،با دلایل زبان‌شناسانه به اثبات نظر خود یعنی تکواژ انحصاری ماضی‌ساز t پرداخته‌اند.

تحلیل نمونه‌ای از داده‌ها

مصدر	مادهٔ ماضی‌ساز	فرایندآوایی	ریشه	پیشوند
bāftan	- t(a)	w →b	$\sqrt{w\bar{a}f}$_	-
šekāftan	- t(a)	افزایش واکه میان خوشهٔآغازی sk → šk	$\sqrt{skaf/\check{s}k\bar{a}f}$	-
šekoftan	- t(a)	افزایش واکه میان	$\sqrt{skauf/\check{s}kauf}$	-

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

		خوشهٔآغازی au→ō		
šetāftan	- t(a)	ممنوعیت آغازخوشه‌با انسدادی st → št/ pt →ft	فشردن،پایمال‌کردن $\sqrt{stap}$	abi →ava → ō
koštan	- t(a)	au→ō	$\sqrt{kauš_}$	-

• اگر ریشه در این گروه، مختوم به b یا p (ممنوعیت آغازخوشهٔ همخوانی با واج انسدادی)باشد، با فرایندآوایی مواجهیم؛ یعنی ~~bt~~ یا ~~pt~~ ←ft

ب- d

برخی از جمله وحیدیان کامیار با ذکر نمونه‌های" آور، افشان، افکن، پراکن، پرور، پژمر، تکان، خور، ران، سپر، کَن، گُزار، گستر، مان و شُمر"d را که بعدِ بُن‌های مضارع می‌آید، تکواژماضی‌ساز می-دانند؛حال‌آن‌که این d همان t است که در محیط واکی، دستخوش تغییر شده‌است (t بعدِ واج‌هایِ واک‌دارِr وn بهd بدل می‌شود)؛ این فرایند در زبانشناسی این‌گونه بازنویسی می‌شود: ۱. t→d / n – ۲. t→d / r– ؛ مثال: takānd= (ماضی‌ساز)t+(متعدی‌ساز) $\sqrt{tak}$"+ ān "جنبیدن، دویدن"(حسن‌دوست،۱۳۹۳: ۱۵۲۴/۸۸۲).

تحلیل داده‌ها

مصدر	مادهٔ ماضی-ساز	فرایندآوایی	متعدی-ساز	ریشه	پیشوند
parākandan	- t(a)	a+ ā→ā t→d / n–	=	$\sqrt{kan}$	Para+ ā
pažmordan	- t(a)	→ur→or ṛ t→d→ δ→ž	=	$\sqrt{mṛ}$	ž+(میانوند) *pati*
rāndan	- t(a)	حذف~~av~~ ؛ b →v t→d / n–	-ān-	جنبیدن$\sqrt{rab}$	-
ōšmord/šomordan	- t(a)	h→š / i–	-	$\sqrt{hmar/šmṛ}$	abi→awi →ō
gostardan	- t(a)	vi→go t→d / r–	-	پهن«$\sqrt{star}$ کردن»	vi–

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

ج- $\bar{a}d$

برخی از جمله وحیدیان، با ذکر نمونه‌های(افت، ایست، فرست و نه) عنصرِ بعدِ این ریشه‌ها را تکواژ ماضی‌ساز می‌دانند؛ حال‌آن‌که این همان t است که به ریشهٔ مختوم به واکه متصل شده:

افت: (ʔoftād = ماضی‌ساز t(a)+ $\sqrt{pt\bar{a}}$ +ava (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ؛ Horn,GNE,92 ,ava-pta)

فرایندهای آوایی: ۱. ava→ ō ۲. pt→ ft(ممنوعیت خوشهٔ آغازی با انسدادی) ۳. t(میان-واکه‌ای)→d).

ایست:(ʔistād =t(a)+ $\sqrt{st\bar{a}}$ +abi ف. آ. : ۱. abi→ ē→ ī ۲. t(میان‌واکه‌ای)→d). (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۵۷۸/۳۳۷)

فرست: ferestād= t (a) + $\sqrt{st\bar{a}}$ +fraپیشوند ف. آ. : ۱. درج واکه میانِ خوشهٔآغازی در فارسی‌نو fr→ fer. ۲t(میان‌واکه‌ای)→d) (Bartholomae, *AiW*,1602; Horn,GNE,817)

نه: (nihād=ta+ $\sqrt{d\bar{a}}$"گذاشتن"+ni پیشوند؛ ف. آ.: ۱. d (میان‌واکه‌ای) ابتدا y/δ و درفارسی‌نو hشده d→ δ/y ← h ۲. t (میان‌واکه‌ای)→d)

تحلیل داده‌ها

مصدر	مادهٔ ماضی‌ساز	فرایندآوایی	ریشه	پیشوند
ʔīstādan	- t(a)	t→d	st$\bar{a}$_	abi→ ē→ī
ferestādan	- t(a)	t→d	st$\bar{a}$_	fra
ʔoftādan	- t(a)	t→d	pt$\bar{a}$_	ava
nih$\bar{a}$dan	- t(a)	d →y →h t→d	d$\bar{a}$	ni

- ابوالقاسمی فرستادن را از $\sqrt{ai\check{s}}$"روانه‌کردن و شدن"می‌داند.(ابوالقاسمی،۱۳۷۳) د- oft

نگارندگان برای این تکواژ، مصداقی جز «پذیرفت» نیافته‌اند؛ ظاهراً نمونه انحصاری است. با مطالعهٔ تاریخیِ تحول واژه و بررسی ژرف‌ساخت آن، فرآیند شکل‌گیریِ واژه به‌شرح زیر است:

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

پذیرفت: $\sqrt{gṛb/grab}$+t(a) =paδiroft + pati / فرایندهای آوایی: ۱. t(میان‌واکه-ای)← d ←δ ۲. حذف g(دشواری خوشهٔ آغازگر با انسدادی)۳. ابدال خوشهٔ همخوانی، bt ← ft ۴. o ← e مناسب‌ترین واکه، در خوشهٔ دوهمخوانیِ آغازگر با واج لبی یا لب‌ودندانی،o است.

تحلیل داده

مصدر	مادهٔ ماضی‌ساز	فرایندآوایی	ریشه	پیشوند
paδiroftan	-t(a)	t ← d ←δ ؛حذف بستواج g ؛ bt ← ft ؛ e ← o ؛آغازگر خوشه	$gṛb$	pati

st -ه

برخیSt را در آراست، پیراست و...، تکواژ ماضی‌ساز می‌دانند؛ از جمله وحیدیان(۱۳۸۰)، انوری(۱۳۹۰)،ماهوتیان(۱۳۹۳) با نمونه‌های زیست، گریست(در بخشest-بررسی می‌شود) آراست، پیراست(دوفعل با ریشهٔقوی $\sqrt{rād}$" آراستن"و۲پیشوند؛ ā و pati؛ $ā/pati$+ $\sqrt{rād}$+ta=rāst/$pirāst$ ʔā ف.آ. : ۱.خوشهٔdt←St(ممنوعیت خوشهٔ آغازی با انسدادی و توالی دو هموا‌جگاه)۲. درpati ابتدا t (میان‌واکه‌ای)←d←y← pīrāst

تحلیل داده‌ها

مصدر	فعل ماضی	مادهٔ ماضی‌ساز	فرایندآوایی	ریشه	پیشوند
ʔārāstan	ʔārāst	- t(a)	d→s/-t	rād	ā
pirāstan	pirāst	- t(a)	d→s/- t (t→d→y)	rād	Pati

و- es

نگرست/ نگریست(غلط مصطلح): $\sqrt{kar/kṛ}$+ es(میانجی)+t (a) =(به‌خاطرسپردن)+ ni/ ف. آ. : ۱. ابدال(k میان‌واکه‌ای← g) (حسن‌دوست: ۵۱۱۸/۲۷۷۱)

گریست: $\sqrt{grad}$+t (a) = "نالیدن" ف. آ. : ۱. d ← S (حسن‌دوست: ۴۴۰۳/۲۳۹۲)

وحیدیان -عمرانی: gery +st (خوشه ۴همخوانیcvcccc تلفظ‌نشدنی)

دانستن: dānest= $\sqrt{dān}$ +es (میانجی) +t (a) (Horn GNE 534). ف. آ. : ۱. ممنوعیت خوشه‌ای(اگر آغازگرهجا، واج دندانی یا لب‌ودندانی باشد، جایگاه۴ نمی‌تواند با واج دندانی اشغال شود) ۲.درج تکواژ میانجیes

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

شایستن: šāyest (ریشه)+t(a) (میانجی)+es√(x)šāy (Horn, *GNE*, 77)

ف.آ. :۱.حذف*x* ازخوشهٔ آغازی *xš* (ممنوعیت خوشهٔ آغازی)۲. افزایش میانجی *es*(ممنوعیت خوشهٔ *yt* بعد واکهٔ بلند).

بایستن: bāyest= (ریشه)+t(a) (میانجی) +es√ay «حرکت کردن»+upa (ابوالقاسمی،۱۳۷۳: ۳۵)

ف. آ. : ۱. *p*(میان‌واکه‌ای)← *b* ۲. ادغام (*a*پیشوند و *a*ریشه) *a*← ā ۳. افزایش تکواژ میانجی*es*(ممنوعیت خوشهٔ *yt* بعدِ واکهٔ بلند)

توانستن: tavānest= (ریشه)+t(a) (میانجی) +es +(متعدی‌ساز)ān+√tav "نیرومندبودن" ف. آ. : ۱. ممنوعیت خوشه‌ای(اگر آغازگرهجایی، واج دندانی یا لب‌ودندانی باشد، جایگاه ۴ نمی‌تواند واج دندانی باشدnt) ۲. درج تکواژ میانجی.es "توانا بودن"√tav/tu Bartholomae (AiW,638,)

یارستن: yārest= (ریشه)+t(a) (میانجی)+es√yār/ayār / ف. آ. : ۱. محدودیت خوشه(دشواری تشکیل خوشهٔ *rt*، بعدِ واکهٔ بلند) (حسن‌دوست،۱۳۹۳: ۲۹۳۵)

زیستن: فرایند آوایی zist← ziv-es-t فرایند آوایی: ۱. افزایش میانجیes (ممنوعیت خوشهyt بعد واکهٔ بلند) ۲. حذف نیم‌واکهv (میان‌واکه‌ای) با واکه کوتاهش. √ziv/jiv زیستن، (Horn, *GNE*,683).

تحلیل داده‌ها

مصدر	مادهٔ ماضی-ساز	میانجی	فرآیندآوایی	متعدی‌ساز	ریشه	پیشوند
dānestan	-t(a)	-es-	ممنوعیت دندانی اول هجا بادندانی جایگاهd...t~~t~~	-	dān	-
tavānestan	-t(a)	-es-	ممنوعیت لب-ودندانیِ اول هجا بادندانی جایگاه۴d...t~~t~~	-ān	tav	-
bāyestan	-t(a)	-es-	ممنوعیت~~yt~~	-	ay→aby	upa
anšāyest	-t(a)	-es-	ممنوعیت~~yt~~	-	xšāy_	-
yārestan	-t(a)	-es-	ممنوعیت خوشه، بعدِواکهٔبلند~~rt~~	-	yār/ayār −	-

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

*zistan	-t(a)	-es-	~~vt~~ ممنوعیت خوشه بعد مصوت بلند	-	Zīv-	-
girivestan *geristan*	-t(a)	-es-	~~Vt~~ ~~ve~~ حذف	-	*gṛīv- grad-	-
negarestan	-t(a)	-es-	ممنوعیت خوشهٔ۳ همخوانی ~~krt~~ و همگونی پیشروی واکه‌ای	-	kṛ→ gar	ni-
negaristan	-t(a)	-es-	ممنوعیت خوشهٔ۳همخوانی krt	-	kṛ/gar	ni-

شایستن، بایستن،یارستن،توانستن، دانستن،زیستن، نگریستن، نگرستن، گریستن

* ریشه پیشنهادیِ نگارندگان با استناد به مصدر *girivestan* در بختیاری.

ز-Īd

افعال مختوم به-Īd را تسامحاً جعلی(تبدیلی، اسمی) نامیده‌اند؛

نگارندگان ضمن تردید نسبت به اصطلاح غیرعلمیِ«جعلی»این‌گونه افعال را، حاصل تسلط قواعد هجایی زبان فارسی[cṼ(c)(c)]و درج واج میانجی می‌دانند:

جنگید، پسندید، رنجید...، jang-i-(t)d، pa/sand-i-(t)d، ranj-i-(t)d ...: ساختار هجاییِ ریشهٔ این افعال، cvcc است؛ فرمول هجایی زبان فارسی cṼ(c)(c) اجازهٔ پیوستنِ همخوان سوم t(ماضی‌ساز)را نمی‌دهد؛ چون ~~cvccc~~ می‌شود (ناقضِ فرمول هجایی فارسی)؛ اینجاست که فرایند آواییِ درج، Ī میانجی را واردمی‌کند. jang(تکواژ قاموسی)، Ī میانجی(تکواژ دستوری با رسالت تسهیل تلفظ)، t(تکواژ دستوریِ ماضی‌ساز)

آشامیدن(i-t- $\sqrt{\text{šām}}$ "غورت‌دادن،فروبردن"-ā)(Hom *GNE,* 30).

،گنجیدن($\sqrt{\text{venč}}$دربرداشتن)، خزیدن($\sqrt{\text{haiz}}$) (حسن‌دوست:۲۰۳۴/۱۱۴۰)، چشیدن($\sqrt{\text{čaxš}}$) (حسن‌دوست:۱۸۱۹/۱۰۲۶)، دَریدن($\sqrt{\text{darr/dṛ}}$) (Hom *GNE 562*).

این افعال چند گونه هستند:

الف- ساختار ریشهٔ cvcc که با افزایشt ماضی‌ساز cvccc می‌شود(ممنوعیت هجایی)؛ مانند: (آ)مُرز، بلع، بخش، پرّ، پرس، پسند، ترش، ترس، تنگ، جنگ، جنب، چرب، چرخ، چسب، خند، درّ، دزد، رقص، رنج، سُلف، فهم، گُرخ، گَرد، گُنج، گَند، لرز، لغز، لنگ، ورز، خشک ،ranj، fahm، gorx ، solf،

ب- ممنوعیت تشکیل خوشه با تکواژ ماضی‌ساز:

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

۱. واج پایانیِ ریشهٔ توان همنشینی باt ندارد(انسدادی، خیشومیِ دولبی): ، ترک، چک، خم، ، دم، رَم، جنب ،...

~~xamt~~، ~~Čekt~~، راه حل: افزودن واجِ(تکواژ)میانجی ī بین دو واج پایانی.

۲. ساخت ریشه(c)(c)v، واکهٔ بلنددارد، واکهٔ بلند ممنوعیت-محدودیت‌هایی برای خوشهٔ بعدش ایجادمی‌کند؛ در فارسی‌نو تشکیل خوشه، بعد واکهٔبلند، ممنوع است(منهای واژگان بی-تغییر،واردشده از دوران‌میانه و باستان)

خواب، خار، بوس، پاش، پوس، پوش، جو، جوش،خروش، توپ، چاق، دوش، شوت، کوب، کوچ، کوش، لول، هراس... ،~~pič~~t، kub~~t~~ ،xāb~~t~~ ،Kār~~t~~ ،pu~~št~~،

ج-ریشهٔ مختوم به‌واکه(خطا در شناخت ریشه) پَری، خری، رسی، چَری،...؛t- $\sqrt{parī}$، t- $\sqrt{čarī}$- t، $\sqrt{rasī}$- t ، $\sqrt{xrī}$

* چون این ساختار را جعلی دانسته‌اند، اشاره‌ای به تغییر و تحولات این افعال از گذشته تاکنون ضرورت دارد.

تحلیل داده‌ها

مصدر	مادهٔ ماضی-ساز	میانجی	فرایندآوایی	ریشه	پیشوند	انواع افعال تبدیلی
gonjidan	-t(a)	-ī-	t⟶d ؛ممنوعیت خوشهٔ ۳همخوانی- ve ؛~~nč~~t ⟶go	$\sqrt{venč}$دربرداشتن	-	افزایش t موجب شکل‌گیریِ ساختار هجاییِ غیرمجاز ریشه، cvccc
jonbidan	-t(a)	-ī-	t⟶d ؛ ممنوعیت خوشهٔ ۳ همخوانی ~~mbt~~	yu/yau+m+b	-	
češidan	-t(a)	-ī-	حذفx ؛ ممنوعیت خوشهٔ ۳همخوانی ~~xšt~~	čaxš	-	
javidan	-t(a)	-ī-	ممنوعیت خوشهٔ ~~vt~~ ~~t⟶d~~	jav	واج پایانیِ ریشه توان همنشینی باt ندارد	ممنوعیت تشکیل خوشه بعد واکهٔ

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

rahidan	- t(a)	- ī -	t→d؛ ممنوعیت خوشهٔht	rah		بلند، با تکواژ ماضی‌ساز
ramidan	- t(a)	- ī -	ممنوعیت خوشهٔ mt t→d	ram رفتن		
ʔā-šāmidan	- t(a)	- ī -	t→d	šam/šām	وجود واکهٔ بلند در ساخت ریشهٔcv(c)(c)	
pičidan	- t(a)	- ī -	t→d			
pusidan	- t(a)	- ī -	t→d؛ ممنوعیت خوشه،بعدِ واکهٔ بلندst	Pav/pū+s تباه‌شدن		
Paridan	- t(a)	-	t→d (میان-واکه‌ای)	-* parī -	-	ریشهٔ مختومِ به‌واکه
Xaridan	- t(a)	-	t→d (میان-واکه‌ای)	- xarī -	-	
rasidan	- t(a)	-	t→d (میان-واکه‌ای)	-* rasī -	-	

افعال تبدیلی یا موسوم به جعلی

افعال تبدیلی را افعالی می‌دانند که از اسم، صفت یا بن مضارع و پسوندīdan- ساخته شده‌است: رقص، چرب و خم+یدن(ظاهراً از دوره میانه و پیشتر سابقه دارد).ساخت و کاربرد افعال تبدیلی، در دورهٔمیانه و امروز بسیار متفاوت است.

تفاوت افعال تبدیلی در فارسی‌میانه و دری: الف. فارسی‌دری، افعال تبدیلی را بر پایهٔ اسم و صفت می‌سازد، اما در پهلوی علاوه بر اسم و صفت، قید، حرف‌اضافه، ضمیرهم پایهٔ قرارمی‌گرفت ب. ساخت افعال تبدیلی در پهلوی قاعده‌مند است؛ یعنی ساخت فعل تبدیلیِ متعدی با لازم متفاوت است؛ برای ساخت فعل متعدی تکواژ یا پسوندēn- و برای فعل لازم تکواژ īh- را به انتهای اسم، صفت، قید، حرف‌اضافه... افزوده، مادهٔ مضارع جعلی می‌ساختند؛ برای ساخت مادهٔ ماضی، به این مادهٔ مضارع، در صورت تعدی، پسوند īd- و در صورت لزوم،ist- اضافه می‌شد؛ مانند:id- ēn- $\sqrt{paydāg}$ " آشکارکردن" ، ist- īh- $\sqrt{paydāg}$"آشکار شدن". در پهلوی، ندرتاً اسم مستقیماً ماده مضارع شده، عامل ماضی‌ساز īd یا ist را پذیرفته است مانند: کامستن(=خواستن) tan- kām-ist (ماده مضارع اسمی) (ر.ک: گشتاسب، حاجی‌پور،۱۴۰۱: ۶).

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

در میانه به فعل متعدی id- و به فعل لازم ist-می‌افزودند امروزه این تفاوت، لحاظ نمی‌گردد؛ فهم-ید(متعدی) رقص-ید(لازم). از پسوندِ ēn- وīh- هم که برای متعدی و لازم‌کردنِ ریشهٔ غیرفعلی استفاده می‌شده، خبری نیست.

شرایط ومحدودیت‌هایی حاکم در ساخت افعال تبدیلی:۱. از سازهٔ مختوم به واکه، فعل تبدیلی نساخته‌اند. ۲. معمولاً سازه‌های تک‌هجایی و ندرتاً دوهجایی، پایهٔ ساخت افعال تبدیلی بوده‌اند. ۳. در ساخت این افعال، اسامی و صفات وندی، مرکب و مشتق کاربرد نداشته‌اند.۳. عامل انسداد(افعال مرکبِ هم‌پایهٔ این افعال)در محدودیت ساخت این افعال دخیل است(ر.ک.گلفام و همکاران،۱۳۹۷: ۱۲۸).

از عوامل مؤثر در کاربرد اندکِ افعال جعلی در فارسی امروز، افعال مرکب موجود از همان‌پایه، انسداد و محدودیت(محدودیتِ واجی، هجایی، صرفی، کاربردشناختی)را می‌توان نام‌برد.

در فارسی‌دری قواعد افزایش تکواژِ ēn وīh برای ساخت مادهٔ مضارعِ متعدی و لازم از اسم و افزایشīd وist برای ساخت ماضیِ فعل متعدی و لازم رعایت نشده، īd برای ماضی تبدیلیِ افعال متعدی و لازم (مانند فهمیدن، رقصیدن) استفاده شده‌است. از آنجایی کهīd را جزو تکواژهای ماضی-ساز شمرده‌اند، در آن مبحث به آن پرداخته‌ایم.

نتیجه‌گیری

۱- تعدد تکواژ ماضی‌ساز از نظر مبانی زبانشناسی(اصل کم‌کوشی،ضوابط و محدودیت‌های همنشینی واج‌ها، فرآیندهای آوایی...) وجاهت علمی ندارد.

۲- تکواژ ماضی‌ساز،صرفاًt بازمانده ازta- صفت مفعولی باستان است و دیگر تکواژهای معرفی‌شده همان tهستند که متأثر از واج‌های مجاور یا محیط واکی... دستخوش تغییر گردیده، تظاهر آواییِ ظاهراً متفاوتی، نشان می‌دهند.

۳- تکواژهای میانجیِ(دستوری) اعمالی در افعال ساده، حداقل ۲تاهستند: ۱. -Ī- ۲. -es-

۴- تکواژ معرفی‌شدهīd- (ī_d)حقیقتاً دو تکواژ دستوری(واج میانجی-ī -ماضی‌سازt) است که یا به‌علت ممنوعیت هجایی((cṽ(c)(c))ایجادشده‌است مانند:čarbid که t امکان اتصال مستقیم به ریشه را نداشته(~~čarbt~~، ~~cvccc~~)، یا به‌دلیل ممنوعیت خوشه‌ای مانند: nāmit/d (عدم ساخت خوشه، بعد واکهٔ بلند)، به‌واج میانجی نیاز بوده‌است.

۵- -es- در افعال شبه کمکیِ" توانست، دانست، شایست، بایست، یارست" تکواژ میانجی است (وجودتکواژ Īst- موردتردید و انکار است).

۶- ترفند افزایشِ تکواژ میانجیِ ī در افعالی با ریشه‌های مختوم به هجای سنگین(cvc) و فوق‌سنگین(cvcc)، به‌دلیل تسهیل تلفظ، صرف انرژی کمتر و رفع ممنوعیت خوشهٔcvccc صورت گرفته‌است(در اتصال به تکواژ ماضی‌ساز)

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

۷- در فارسی امروز، افعال موسوم به تبدیلی کاربرد چندانی ندارد؛ زیرا گویشوران ساخت افعال مرکب از همان پایه را بیشتر پسندیده و پذیرفته‌اند.

منابع و مآخذ

- انوری، حسن و گیوی، احمد،(۱۳۹۰)، دستور زبان فارسی، تهران: فاطمی.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۷۶) فعل بسیط فارسی و واژه سازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ابوالقاسمی، محسن، (۱۳۷۳)، ماده‌های فعل‌های فارسی دری، تهران: ققنوس.
- باقری، مهری، (۱۳۸۵)، "اختلافات واجی ماده‌های ماضی و مضارع در فارسی"، نامهٔ انجمن، ۳(۶).
- حسن‌دوست، محمد،(۱۳۹۳)، فرهنگ ریشه شناختی زبان فارسی، فرهنگستان زبان وادب فارسی، تهران: نشر آثار.
- خانلری، پرویز، (۱۳۶۵)، تاریخ زبان فارسی، چاپ دوم، تهران: نشر نو.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۷)، لغت نامهٔ دهخدا، تهران: چاپخانهٔ دولتی ایران.
- غلامحسین زاده غلامحسین، جبر میسا، دری نجمه، عباسی زهرا. (۱۳۹۷) "ساخت واژهٔ فعل در زبان فارسی"، پژوهش‌های ادبی، ۱۵ (۵۹)، صص ۶۳-۸۶.
- فرشیدورد، خسرو،(۱۳۸۸)، دستور زبان مفصل امروز، تهران: انتشارات سخن.
- زهرا چراغی, فاطمه کرمپور (۱۳۹۰). "تجزیه و تحلیل واج‌شناختی افعال بی‌قاعدهٔ زبان فارسی معاصر : رویکرد بهینگی"، پژوهشهای زبانی, ۲(۱)، صص ۵۱-۸۲.
- گشتاسب، فرزانه و حاجی پور، نادیا . (۱۴۰۱). "افعال جعلی در متون فارسی میانه زردشتی (تحلیلی آماری و پیکره بنیان)". زبان و زبان‌شناسی، ۱۸(۳۵)، صص ۱-۱۹.
- گلفام، ارسلان، ملکی مقدم، اردشیر، ابراهیم پورنیک، فائقه. (۱۳۹۷). "محدودیت‌های ناظر بر زایایی فعل‌های برگرفته از اسم و صفت در فارسی معیار". مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۶(۲۰)، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- ماهوتیان، شهرزاد(۱۳۹۳)؛ دستور زبان فارسی از دیدگاه رده شناسی، ترجمهٔ مهدی سمایی، تهران: مرکز.
- وحیدیان کامیار، تقی، عمرانی، غلامرضا(1380)؛ دستور زبان فارسی(۱)، تهران: سمت،
-وفایی، عباس‌علی، (۱۳۹۶)، "ساختمان فعل در زبان فارسی"، پژوهش‌های ادبی، ۱۴(۵۵)، صص ۱۳۱-۱۴۵.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]

REFERENCES

Bartholomae, C., (1961) *Altiranisches Worterbuch*, Strassburg, Berlin. [In English]

Horn, P., (1893), *Grundriss der neupersischen Etymologie*, Strassburg. [In English]

Nyberg, H. S, (1974), *A Manual of Pahlavi*, II: Glossary, Wiesbaden.-

Yarmohammadi, L and C. Ronayne (1976). The Persian verb reconsidered archive rientalni, [In English]

Anvari, H., & Givi, A., (2011), *Persian Grammar*, Tehran: Fatemi [In Persian]

Tabatabaei, A., (1997), *Persian Simple Verb and Word Formation*, Tehran: University Press Center. [In Persian]

Abolghasemi, M., (1994), *Persian Verbs in Dari*, Tehran: Qoqnos. [In Persian]

Bagheri, M., (2006), "Phonological Differences in the Past and Present Verbs in Persian", Name Anjoman, 3(6). [In Persian]

Hassandoost, M., (2014), *Etymological Dictionary of the Persian Language*, Persian Language and Literature Academy, Tehran: Athar Publications. [In Persian]

Khanlari, P., (1986), *History of the Persian Language*, 2th Edition, Tehran: No Publications [In Persian]

Dehkhoda, A.,, (1958), *Dehkhoda Dictionary*, Tehran: State Printing House of Iran. [In Persian]

Gholamhoseinzadeh, G, Jabr M, Dorri N, Abbasi Z. (2018) "Verb Construction in Persian Language". *LIRE*, 15 (59), pp. 63-86

URL: http://lire.modares.ac.ir/article-41-27830-fa.html. [In Persian].

Farshidvard, K., (2009), *Modern Detailed Grammar*, Tehran: Sokhan Publications. [In Persian]

Zahra Cheraghi, F. K. (2011). "Phonological Analysis of Modern Persian Irregular Verbs: An Optimality Approach". *Language Research*, 2(1), pp. 51-82. [In Persian]

Goshtasb, F. and Hajipour, N. (2022). "Denominative verbs in Zoroastrian Middle Persian texts (statistical and corpus-based analysis)".

Language and Linguistics, 18(35), pp. 1-19. DOI: 10.30465/lsi.2023.44441.1660, [In Persian]

Golfam, A., Maleki Moqaddam, A., & Ebrahim Poornik, F. (2018). "Constraints on the Productivity of Denominal and Deadjectival Verbs in Standard Farsi". *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 6(20), pp. 109-132. [In Persian]

Mahoutian, S., (2014) *Persian Grammar from a Taxonomic Perspective*, Translated by Mehdi Samaei, Tehran: Markaz. [In Persian]

Vahidian Kamyar, T., Omrani, G., (2001) *Persian Grammar (1)*, Tehran: Samt. [In Persian]

Vafaei, Abbas Ali, (2017), "Verb Construction in in Persian Language", *LIRE*, 14(55), pp. 131-145. [In Persian].

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.8.1.4.5]